

درباره گویش لاری و خنجی

در شماره اول، سال هجدهم مجله زبانشناسی، بهار و تابستان ۱۳۸۲، مقاله‌ای با عنوان «درباره گویش لارستانی» به قلم استاد محترم آقای دکتر علی‌اشرف صادقی درباره کتاب دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی نوشته آقای لطفعلی خنجی به رشته تحریر درآمده بود. این مقاله بسیار پربار بود، چون از نوشته‌هایی که تاکنون درباره گویش لاری چاپ شده معرفی نسبتاً جامعی کرده بود و نیز بسیاری از ویژگیهای این گویش و نیز گویش خنجی را که یکی از انواع گویشهای لاری است شرح داده بود. اینجانب درباره بعضی از مطالب این مقاله نظراتی دارم که در زیر منعکس می‌کنم.

۱. در این مقاله مرز میان شناسه فعلی و ضمائر شخصی مشخص نشده و غالباً این دو اصطلاح به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. مثلاً در صفحه ۱۲۲ به جای شناسه فعلی دوم شخص جمع i در فعل «نشستن» ضمیر دوم شخص جمع i و در صفحه ۱۲۷ به جای شناسه فعلی ماضی ساده افعال لازم، ضمائر ماضی ساده افعال لازم به کار رفته است.

۲. ضمائر شخصی که به دودسته آزاد و پیوسته تقسیم می‌شوند نیز در این مقاله اصطلاح واحدی برای آنها به کار نرفته است. مثلاً در صفحه ۱۲۳ مقاله ضمائر شخصی پیوسته -om، -ot، -oš، -mu، -tu، -šū با عنوان صفات ملکی آمده‌اند ولی ضمائر شخصی آزاد با عنوان ضمائر شخصی یا ضمائر متصل به کار رفته‌اند که احتمال دارد ضمائر متصل اشتباه چاپی به جای ضمائر منفصل باشد.

۳. در همین صفحه ۱۲۳ راجع به کاربرد حروف اضافه «از»، «پیش»، «با»، «به»، «برای» همراه با ضمائر شخصی مطالب مفصلی نوشته شده ولی باز به دلیل جابه‌جایی اصطلاحات به کار رفته برای خواننده سردرگمی ایجاد می‌کند. مثلاً درباره حرف اضافه az نوشته شده که بعد از صفات ملکی می‌آید مانند maz «از من» و taz «از تو» ولی قبل از ضمائر متصل قرار می‌گیرد، مانند az mo «از من» و az to «از تو». درباره حرف اضافه (a)peš نوشته شده که بعد از صفات ملکی قرار می‌گیرد، مانند ma peš «پیش من» و ta peš «پیش تو» ولی قبل از ضمائر شخصی

(مفعولی و ملکی) می‌آید (بدون ذکر مثال). از طرفی معنی تحت‌اللفظی *mapēš* به صورت «مرا به پیش» آمده است که به نظر اینجانب معنی آن «به پیشم» می‌باشد.

۴. به طور کلی نظر اینجانب در مورد اصطلاحات «شناسه فعلی» و «ضمایر شخصی پیوسته» به ویژه وقتی با فعل همراه می‌شوند و نقش فاعلی دارند چنین است که در گویشهای ایرانی «شناسه فعلی» معمولاً با افعال لازم (در همه زمانها) و با افعال متعدی (در زمان حال) به کار می‌رود، ولی «ضمایر شخصی پیوسته» معمولاً با افعال متعدی (در زمان گذشته) به کار می‌روند و جابه‌جایی این دو اصطلاح باعث سردرگمی می‌شود.

۵. و اما همراهی حروف اضافه و ضمایر شخصی در گویش خنجی به این صورت است که حروف اضافه قبل از ضمایر شخصی آزاد *mo* «من»، *to* «تو»، *on* «او»، *amâ* «ما»، *šomâ* «شما» و *ešū / oniyâ* «آنها» قرار می‌گیرند، ولی بعد از ضمایر شخصی پیوسته *-to, -mo, -oš, -ot, -om* / *šō* می‌آیند، مانند *az mo* «از من» / *m-az* «آزم»، *az to* «از تو» / *t-az* «آزت»، *a mo* «به من» / *m-a* «بم»، *a to* «به تو» / *t-a* «بت»، *bâ mo* «بامن» / *m-omra* «باتو» / *t-omra* «بات»، *ase mo* «برای من» / *m-asu* «برایم»، *ase to* «برای تو» / *t-asu* «برایت»، *(a)peš-e* *mo* «به پیش من» / *m-a-peš* «به پیشم»، *(a)peš-e to* «به پیش تو» / *t-a-peš* «به پیشت».

۶. مؤلف کتاب گویش خنجی معتقد است که بعضی از افعال مانند *čeda* «رفتن، چیدن» یک مصدر ولی دو معنی دارند. نویسنده مقاله در صفحه ۱۲۵ به رد نظر مؤلف پرداخته و اعتقاد دارد که در اینجا ما با دو فعل روبرو هستیم که تصادفاً مصدر آنها یکسان است، اما بن ماضی آنها متفاوت است و برای بیان صحت نظر خود *čed-om* «رفتم» و *om-či* «چیدم» را مثال آورده است. نظر من در این باره با نظر مؤلف کتاب هماهنگ است، به این دلیل که در هر دو فعلی که به عنوان مثال آمده ستاک گذشته یکسان و به صورت *čed-* است ولی در *om-či* همخوان *d* از پایان ستاک حذف شده و واکه *e* قبل از آن چون در پایان قرار گرفته به صورت *i* درآمده است.

۷. در صفحه ۲۳۵ کتاب گویش خنجی چنین آمده است که فعل *eškahta* یا *eškahesta* «شکستن» دو مفهوم لازم و متعدی را داراست، ولی بیان دو مفهوم لازم و متعدی آن به دو گونه مختلف صورت می‌پذیرد، مانند:

آئینه شکست *âyna eškahest*
آئینه را شکست *âyna šeška*

نویسنده مقاله در صفحه ۱۲۵ چنین آورده است که در اینجا ما دو بن ماضی داریم که در مقطع همزمانی یکی (بن لازم) با *est* از بن دیگر (بن متعدی) گرفته شده است.

نظر من در این مورد این است که در دو مصدر بالا ما تنها یک بن ماضی به صورت *eška-st* یا *eška-hest* داریم که جزء *-st* یا *-hest* - نشانه زمان گذشته و یا به عبارتی شناسه سوم شخص مفرد است (نگاه کنید به مقاله شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی، کلباسی ۱۳۷۵: ۲۷-۳۵). وقتی این فعل در گویش خنجی با مفهوم متعدی در زمان گذشته به کار می‌رود چون از ضمایر شخصی پیوسته به عنوان فاعل استفاده می‌کند دیگر نیازی به شناسه فعلی ندارد، بنابراین *-st* یا *-hest* حذف می‌گردد، ولی در مفهوم فعل لازم چون شناسه فعلی مورد نیاز است *-st* یا *-hest* باقی می‌ماند. به مثالهای زیر توجه شود:

<i>kâsa m-eška</i>	کاسه را شکستم (متعدی)
<i>kâsa š-eška</i>	کاسه را شکست (متعدی)
<i>kâsa eška-hest</i>	کاسه شکست (لازم)

چنانکه در مثالهای اخیر مشاهده می‌شود در دو جمله متعدی ضمایر پیوسته *m-* و *š-* به عنوان فاعل به کار رفته‌اند ولی در جمله لازم جزء *hest* بیانگر شناسه فعلی و به عبارتی فاعل جمله است و نمی‌تواند حذف شود.

۸. در صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱ مقاله آمده است که مالچانوا زبان‌شناس روسی *a* آغازی را در افعالی مانند *a-xatâ-i* «دارد می‌خواهد» که متعلق به گویش لاری است به غلط حرف اضافه دانسته، در صورتی که به نظر نویسنده مقاله *a* در این گونه افعال پیشوند استمرار است و نه حرف اضافه. از طرفی معنی تحت‌اللفظی این فعل را به صورت «[من] همی در [حال] خوابیدن‌ام» آورده است. لازم است در اینجا یادآوری شود که شناسه این فعل سوم شخص مفرد یا دوم شخص جمع است و نه اول شخص مفرد. از طرفی نظر اینجانب در مورد حرف اضافه بودن *a* در فعل فوق با مالچانوا موافق است. به عبارتی، گرچه *a* آغازی در بعضی از گویشها و نیز در بعضی از صیغه‌های فعلی گویش لاری به مفهوم نشانه استمرار است، مانند *a-zen-em* «می‌زنم» ولی در فعل *a-xat-â-i* «دارد می‌خواهد» چون *â* نشانه استمرار است دیگر دلیلی ندارد که *a* را هم نشانه استمرار بگیریم. بنابراین به نظر من بهتر است این فعل را به صورت «به خوابیدن در است» یا «در حال خوابیدن است» یا «دارد می‌خواهد» به فارسی برگردانیم.

۹. و اما اصولاً *â* استمراری چیست و چگونه به وجود آمده است؟ در صفحه ۱۳۰ مقاله آمده است که «*â* ترکیبی از دو مصوت *a* است، یکی *a* پایان مصدر و دیگر *a* حرف اضافه به معنی «به» که در اینجا به شکل حرف اضافه مؤخر به کار رفته است». از طرفی در همین صفحه آمده است که علت کشش *â* (منظور تبدیل *a* به *â*) برای مالچانوا روشن نیست.

نظر من در مورد پیدایش \hat{a} چنین است: درست است که \hat{a} از ترکیب دو واکه به وجود آمده، ولی اولاً این دو واکه لزوماً همیشه a نیستند و از طرفی \hat{a} همیشه پس از مصدر یا ستاک فعلی قرار نمی‌گیرد بلکه می‌تواند قبل از ستاک فعلی هم بیاید. اگر \hat{a} قبل از ستاک فعلی باشد نتیجه ترکیب نشانه استمرار a و واکه قبل از آن است و اگر بعد از ستاک فعلی باشد نتیجه ترکیب واکه آغازی est و واکه پایانی مصدر است. لازم به توضیح است که گروه آوائی est که باقیمانده فعل $est\hat{a}dan$ در فارسی میانه است در بعضی از گویشها یا لهجه‌های امروزی فعل اصلی را استمراری می‌کند. مثلاً در تاجیکی $rafta-?ist\hat{o}da-?am$ به معنی «دارم می‌روم» و $xurda-?ist\hat{o}da-?am$ به معنی «دارم می‌خورم» است.

به مثالهای زیر که همه از گویش خنجی هستند و نشانه استمرار a یا \hat{a} را قبل از ستاک فعلی و نشانه استمرار \hat{a} را پس از ستاک فعلی نشان می‌دهند توجه شود:

الف) نشانه استمرار قبل از ستاک فعلی

a-gom	می‌گویم
a-benom	می‌بینم
m-a-di	می‌دیدم
t-a-di	می‌دیدى
*mo-a-di → m- \hat{a} -di	می‌دیدیم
*to-a-di → t- \hat{a} -di	می‌دیدید
*ne-a-gom → n- \hat{a} -gom	نمی‌گویم
*om-ne-a-got → om-n- \hat{a} -got	نمی‌گفتم

ب) نشانه استمرار پس از ستاک فعلی

*gota-est-om → got- \hat{a} -m	دارم می‌گویم (=گفتن درم)
*deda-est-eš → ded- \hat{a} -š	دارى می‌بینى (=دیدن درى)
*čeda-est-om → čed- \hat{a} -m	دارم می‌روم (=رفتن درم)
*xata-est-e → xat- \hat{a} -e	دارد می‌خواهد

ملاحظه می‌گردد که در ۴ مثال اخیر که متعلق به گویش خنجی است حرف اضافه a آغازی وجود ندارد ولی این حرف اضافه در گویش لاری دیده می‌شود:

*a-čeda-est-em → a-čed-â-em (دارم می‌روم (= به رفتن درم))

*a-xata-est-i → a-xat-â-i (دارد می‌خواهد (= به خوابیدن در است))

ممکن است سؤال شود که چرا زیرساخت \hat{a} پس از ستاک فعلی est گرفته شده و نه a . استمراری؟ پاسخ این است که est به صورتهای \hat{ast} (قبل از واکه) و \hat{az} (قبل از همخوان) نیز در صیغه‌های استمراری فعل امر، فعل حال التزامی و گذشته در حال انجام در گویش خنجی پس از ستاک گذشته دیده می‌شود:

*čeda-est-baš → čed-âz-baš^۱ در حال رفتن باش

*deda-est-baš → ded-âz-baš در حال دیدن باش

*xonda-est-bom → xond-âz-bom در حال خواندن باشم

*xata-est-bom → xat-âz-bom در حال خوابیدن باشم

*deda-est-odom → ded-âst-odom داشتم می‌دیدم

*čeda-est-odom → čed-âst-odom داشتم می‌رفتم

از طرفی چون est در گویش خنجی به صورتهای ez ، z و e در ساخت اسم مفعول به‌کار می‌رود، شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که est در بعضی از گویشهای ایرانی هم باعث پیدایش نشانهٔ استمرار \hat{a} شده و هم زیرساختِ نشانهٔ اسم مفعول e - است:

om-ded-est-u دیده بودم

om-ded-ez-be دیده باشم

om-ded-ez-bo-z-be دیده بوده باشم

om-ded-e دیده‌ام

ایران کلباسی

کتابنامه

خنجی، لطفعلی، ۱۳۷۸. دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی. دانشنامهٔ فارس. صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۸۲. «در بارهٔ گویش لارستانی»، مجلهٔ زبان‌شناسی، س ۱۸، ش ۱، ص ۱۳۸-۱۲۰.

۱. باید توجه کرد که فعل «باش» که در صفحهٔ ۱۳۱ مقاله به صورت $b\bar{a}s$ آمده در کتاب گویش خنجی به شکل $b\bar{a}s$ نوشته شده است (نگاه کنید به صفحهٔ ۱۵۹ کتاب).

- کلباسی، ایران، ۱۳۶۷. «دستگاه فعل در گویش لاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۱، ش ۱، ص ۱۷۰-۱۴۵.
- کلباسی، ایران، ۱۳۶۹. «ساخت واژه در گویش لاری»، مجله فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۶، ص ۱۹۸-۱۸۶.
- کلباسی، ایران، ۱۳۷۴. فارسی ایران و تاجیکستان. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کلباسی، ایران، ۱۳۷۵. «شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی»، مجله فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۹، ش ۱، ص ۳۵-۲۷.
- کلباسی، ایران، ۱۳۸۱. «نقش و جای شناسه فعلی و ضمیر پیوسته در گویشهای ایرانی»، مجله زبانشناسی، س ۱۷، ش ۱، ص ۱۰۲-۷۷.
- کلباسی، ایران (در دست چاپ)، «نشانه استمرار در لهجه‌ها و گویشهای ایرانی»، ارائه شده در نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اردیبهشت ۱۳۸۰.
- کلباسی، ایران (در دست چاپ)، «نشانه استمرار در گروهی از گویشهای ایرانی»، جشن‌نامه دکتر یدالله ثمره.

